

حکومت به دست خود انسان‌ها را خواستار بودند، اما با این قید که خواست آنان با فرمانهای دین اسلام در تضاد و تناقض نباشد. به این ترتیب، می‌بینیم که همه‌ی این خواسته‌های اجتماعی که ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران بود و در شعر دوران انقلاب اسلامی نیز نمود یافت، منحصر و محدود به وطن ایرانیان نبوده؛ بلکه شامل همه‌ی مسلمین جهان می‌شود. آغاز حرکت جهانی شعر دوران انقلاب، از همین جاست. این آرمان‌های مشترک بشری، خواستار رهایی و آزادی و آزادگی همه‌ی مسلمین جهان هستند. به همین خاطر است که شعر انقلاب اسلامی نیز دارای پیامی جهانی است.

* نتیجه‌گیری:

شعر مقاومت، دنباله و ادامه‌ی ناگزیر شعر دوران انقلاب اسلامی است. در واقع، شعر دوران انقلاب اسلامی، از همان آغازش، جهتی فراملی و بین‌المللی داشت زیرا بر خواسته‌های محدود ناسیونالیستی استوار نبود و داعیه‌ای جهانی داشت. به همین خاطر، شعر مقاومت بین‌المللی اسلامی (که از ایران انقلابی آغاز شد) دارای همان جهت‌گیری‌هاست که شعر انقلاب آن جهات را داشت؛ یعنی استکبارستیزی، استقلال‌طلبی، عدالت‌جویی، ظلم‌ناپذیری، و اقتدا به اسطوره‌ها و اسوه‌های دینی که آموزگار آزادگی هستند.

S N Abbas (Kaify)
Research Scholar,
Centre of Persian & Central Asian Studies
School of Language Literature & Culture Studies
Jawaharlal Nehru University
New Delhi 110067, India

شعر پس از انقلاب، با آغاز جنگ ایران و عراق، رنگ حماسی گرفت. می‌دانیم که ایران در این جنگ، ظاهراً فقط با صدام می‌جنگید اما در واقع، چندین کشور غربی و عربی در پشت پرده از صدام حمایت می‌کردند. پس جنگ ایران، یا جبهه‌ی وسیعی از کسانی بود که اندیشه‌ی انقلاب ایران را در تضاد با دنیاطلبی خویش می‌دیدند. این جنگ، حمله نبوده، بلکه دفاع بوده و برای همین هم تقدس یافت. روحیدی عارفانه‌ی رزمندگان ایرانی در این جنگ، آن را از دیگر جنگ‌های جهان، متمایز می‌کند. همین محتواهای حماسی و عارفانه، شعر انقلاب اسلامی را وارد مرحله‌ی تازه‌ای کرد و به آن وسعت بخشید. این جنگ، باعث شد که شعر انقلاب اسلامی، خود را در میدان بزرگ‌تری از مبارزه ببیند. اگر تا دیروز، مبارزه با استبداد و دیکتاتوری مطلق بود، با آغاز جنگ، مبارزه با استکبار جهانی (همیمانان صدام) و دیکتاتوری بین‌المللی آغاز شد. همین مسائل، در شعر دوران دفاع مقدس هم انعکاس یافت و زمینه‌ساز شعر مقاومت بین‌المللی اسلامی در ایران شد.

* مسأله‌ی فلسطین:

فلسطین، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم مسلمان ایران، از قبل از پیروزی انقلاب بوده. مردم که شاه را همپیمان با اسرائیل و آمریکا می‌دیدند، بعد از پیروزی انقلاب، بر آزادی فلسطین بیشتر تأکید کردند. جلوه‌های حمایت از فلسطین در شعر بعد از انقلاب را می‌توان یک گام دیگر به جلو در جهت شکل‌گیری شعر مقاومت بین‌المللی اسلامی دانست.

* شعر مقاومت بین‌المللی اسلامی:

ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی ایران، محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نیست. پس باید انتظار داشته باشیم که شعر این دوران نیز محدود به آرمانهای میهنی نباشد. شعر انقلاب اسلامی که بر پایه‌ی شعارهای این انقلاب (یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) بنا شده بود، از آغاز، بر همین شعارها تأکید داشت. نباید غافل باشیم که همین شعارها نیز ریشه‌ی قرآنی دارند. مثلاً استقلال، که مردم ایران خواهان آن بودند، از آیات قرآن سرچشمه می‌گرفت که بر «قاعده‌ی نفی سبیل» تأکید دارد. این قاعده، به مسلمانان فرمان می‌دهد که تا جای ممکن، با کافران و مشرکان معامله نکنند و روزی و درآمد خویش را وابسته به آنان ننمایند. معنای آزادی هم در انقلاب ایران متفاوت بود؛ مردم مسلمان ایران، آزادی معنوی را می‌خواستند نه بی‌قیدی اخلاقی را. این آزادی، انسان را در راه کمال قرار می‌دهد. این همان آزادی‌یی است که همه‌ی منابع دین مبین اسلام خواستار آن هستند. جمهوری و مردم‌سالاری در انقلاب ایران، با صفت اسلامی خواسته شده است؛ زیرا انسان اگر خواسته‌هایش را با خواست خدا همجهت نکند، به گمراهی می‌رود. پس مردم انقلابی ایران، سپردن عنان

اما اشعار این دوره خالی از این مسائل نیست. اشاره به داستان ضحاک، کاوه‌ی آهنگر، سیاوش و کاربرد واژگان دیو، اهریمن و... در شعر و اشعار مردم شنیده می‌شود. در برخی از سروده‌ها و «سروده‌ها» و شعرها، مصراع‌ها و ابیاتی از گذشتگان نیز به کار می‌رفت که مصراع «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» از آن جمله است. احیای برخی مضامین شعر مشروطیت و استفاده از سروده‌های شاعران برجسته‌ی عصر مشروطه که مضامین ملی در شعر آن‌ها وجود دارد مانند فرخی یزدی، نسیم شمال، عارف و عشقی در لایه‌لای شعرا و سروده‌ها به چشم می‌خورد.

* مردم‌گرایی و مردم‌باوری:

در شعر سال‌های اختناق و خفقان، نوعی نفرت و ناپاوری نسبت به مردم احساس می‌شود. شاید مشاهده‌ی بی‌تفاوتی‌ها، در خود خزیدن‌ها، نظاره‌گر بی‌درد حادثه‌ها و فاجعه‌ها بودن دستاویز تاختن به مردم است. به دلیل همان بامس که پیش‌تر از آن سخن رفت، شاعران نسبت به فردای این مردم چنان بی‌أس‌زده و ناپاورد که گاه بالحنی تند و شکننده یا آنان سخن می‌گویند. شعر شاملو از ناامیدی مطلق و لحن پرخاشک‌رانه نسبت به مردم لریز است. در کتابهای هوای تازه و باغ آینه از این دست سروده‌ها فراوان می‌توان یافت.

* بازگشت به عشق عارفانه:

دوره‌ی پیش از انقلاب، سرودن شعر گناه‌آلود (کفرگونه) و در کنار آن غزل عاشقانه زمینی، فراگیر و گسترده در سروده‌ی شاعران به چشم می‌خورد. در سروده‌های شاملو، نصرت رحمانی، نادرپور و... گاه به حوزه‌ی مقدّس‌ترین ارزش‌های دینی حمله می‌شده. همان‌گونه که در قلمرو رمان‌ها و داستان‌های این زمان همین ویژگی موج می‌زد. دو جناح روشنفکر غرب‌گرا و روشنفکران شرق‌گرا یا تفکرات مادی، با زبان طنز و کنایه و تمسخر و گاه صریح و روشن، باورهای مذهبی را به سخره می‌گرفتند و در کنار آن، خیل شاعران از بیان عربان‌ترین و بی‌پرده‌ترین لحظه‌ها و صحنه‌های جنسی و التذاذهای جسمی پروایشان نبود، فریدون توللی، فروغ فرخزاد، سیمین بهیبهانی، اخوان ثالث، نادر نادرپور و... از این دست شاعران محسوب می‌شوند. گرچه برخی از آن‌ها همچون اخوان بعدها رویکردی به سمت سروده‌های عمیق‌تر با نگاهی و تأملی در مسائل اجتماعی و سیاسی دارند. در عصر انقلاب، عشق عارفانه با بهره‌گیری کم‌رنگ‌تر از اصطلاحات رایج عرفان سنتی دوباره شعر را باز می‌یابد. در دوران اوج‌گیری مبارزه، عشق همواره با شهادت، خون، ایثار و وصال محبوب و... همراه است. این دست سروده‌ها با عاشقانه‌ترین حماسه‌ی تاریخ اسلام یعنی عاشورا امتزاج و پیوند می‌یابند و با آمیزه‌ای از عشق و حماسه، فضایی تازه و بایی نو در شعر انقلاب می‌گشایند.

* شعر دفاع مقدّس:

اندکی فضا برای تنفس باز شد در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ می‌رسید.

* محتوا و مضامین محدود*

به دلیل تنفس در فضای واحد (مبارزه یا حاکمیت و نظام ستم)، درونمایه و محتوای شعر حول محور موضوعاتی محدود و محدود می‌چرخید. سوژه و موضوع عمدتاً سروده‌ها، مبارزه، وحدت، خودآگاهی، شهادت و... بوده. گاهی تصویرها به دلیل شباهت موضوع نیز به هم نزدیک می‌شد. در حوزه قصه‌ها و داستان‌های همین سال‌ها نیز مشابهت و محدودیت موضوعات کاملاً محسوس است. اما در عمده‌ی این سروده‌ها خیزش، جوشش و پندگی واژه‌ها بر تندخوانی و هیجان مخاطب می‌افزود و همین سروده‌های برانگیزاننده و حرکت بخش، نقش جدی و شگرف در مبارزه‌ی مردم داشت.

* بیگانه‌ستیزی و غرب‌ستیزی (مبارزه با روشنفکری و خودباختگی)*

بازگشت به خویشتن که به شکل جدی و دقیق قبلاً توسط سید جمال‌الدین افغانی و اقبال لاهوری و سپس در سخنرانی‌ها و نوشته‌های دکتر علی شریعتی مطرح شده بود به قلمرو شعر نیز راه یافت. پیش از انقلاب، سهم هیچ‌کس در ستیز با روشنفکری - روشنفکران بی‌درد و خودباخته - در حوزه‌ی شعر، به اندازه‌ی شاعران متعدد و روشن‌اندیش مسلمان نیست. گرچه برخی شاعران دیگر نیز از بی‌تحریکی و بی‌دردی ایشان نالیده‌اند. در سروده‌های طاهره‌ی صفارزاده، موسوی گرمارودی، میرزازاده، حمید سبزواری و برخی شاعران که در این دوران هنوز نام و آوازه‌ای ندارند - مستقیم و غیرمستقیم - ستیز با روشنفکری محسوس و چشمگیر است. بی‌هویتی، بریدگی از فرهنگ جامعه، بی‌دردی و نشستن در حاشیه‌ی حادثه‌ها و به تحلیلی تحلیل رفته پسندیده کردن، شناسنامه‌ی روشنفکران است که با سرانگشت شعر ورق می‌خورد.

* اندیشه‌ها و مضامین مذهبی*

در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هویت مذهبی انقلاب، موجی وسیع و گسترده از مضامین و واژگان و دربیانی کلی‌تر فرهنگ اسلام را به فراختای شعر کشانید. شعر از آیات و روایات سرشار بود. ستایش و یادکرد از چهره‌های درخشان تاریخ اسلام به ویژه ابوذر، عمار، حرّ، سمیه، مالک اشتر و مبارزان و مجاهدان و شهیدان بزرگی چون جلال آل‌احمد، دکتر شریعتی و... در سروده‌های این دوره احساس می‌شد. احساسات شورانگیز مذهبی در تاز و پود شعر تنیده بود و سروده‌ها با بهره‌وری از این اندیشه‌ها و طرح حماسه‌ی شکوهمند عاشورای حسینی به تهییج و تحریک عواطف می‌پرداخت.

* طرح چهره‌های ملی و اسطوره‌های تاریخی:

گرچه طرح چهره‌های ملی و اشاره به اسطوره‌ها کم فروغ‌تر از اندیشه‌های مذهبی در سروده‌ها چهره می‌نمود

به سمت «دروشنی» است. شاعر چشم‌انداز فضایی بی‌زندان و آسمانی بی‌سقف را دریافته است. شعر سیاسی دربروز - اگر این عنوان رسا و فراگیر باشد - عمدتاً سابه‌های باءس و مرگ و خزان‌های بی‌برگی با خویش دارد. در شعر اخوان ثالث - که باید او را پیشقراول سرایندگان شعر اجتماعی و سیاسی در حوزه‌ی شعر تیمایی خواند - و در شعر فروغ و دیگران این دریافت و استنتاج مشهود است. حتی سروده‌های شاعران معترض قبل از انقلاب کمتر توفندگی و جوشندگی و خروش و خشم سروده‌های این دوره را دارند.

* طرح فقر و محرومیت و زران‌دوژی و غارت سرمایه‌های جامعه:

پیش از این برخی از شاعران که عمده‌ی آنها گرایش‌های سیاسی خاص داشتند در کنار دو جریان شعری روشنفکران غیرمذهبی و شاعران مذهبی با زیبایی نمادین و تمثیلی و گاه عریان و شعارگونه، از فقر و محرومیت، استثمار و غارت توده‌های جامعه، و زران‌دوژی و چپاول سرمایه‌های ملی توسط عوامل حکومت و سرمایه‌داران سخن می‌گفتند. در سروده‌های خسرو گل‌سرخ، سیاوش کسرای، اخوان ثالث، شاملو، فروغ و شاعران مذهبی همچون نعمت میرزاده (م.آزم)، طاهره صفارزاده، موسوی گرمارودی، حمید سبزواری و... نمونه‌هایی از این دست مسائل می‌توان یافت. گاه نیز این‌گونه سروده‌ها نوعی «ژیست سیاسی» برای شاعران محسوب می‌شد. در هنگامه‌ی طرح این فقر طاق‌سوژ، گاه شعله‌های اعتراض، دامن سکوت و سکون مخاطب‌ها را فرا می‌گرفت. شاعر آشفته و خشم‌گین، سکوت، اضطراب و ترس، به انتظار حادثه تشستن محرومان و ستم‌دیدگان را محکوم می‌کرد.

* غلبه شعارگونه‌ی و عنصر تفکر بر دیگر عناصر شعری:

ضرورت‌ها، نیازها و عطش اجتماعی، فضای سیاسی و مبارزاتی و هیجان‌ها و التهاب‌های شاعرانه‌ای که متأثر از اوضاع و شرایط خیزش و قیام مردمی بود، به شدت شعر را تحت تأثیر قرار داد. سروده‌های آغاز انقلاب، گاه سیاسی محض و فاقد ویژگی‌های لازم شعری مانند زبان استوار، ایماژها و صور خیال زنده و تازه هستند. سروده‌ها از این جهت به دوره‌ی مشروطه بسیار شبیه می‌شوند. شاعر به پیام بیش از هر چیز می‌اندیشد. لحن شعر خطابی است و عنصر تفکر و تکیه بر پیام مشخص سیاسی، عرصه را بر دیگر عناصر شعر تنگ می‌کند. در حالی که در یک شعر خوب، هیچ عنصری نباید عرصه را بر عنصر دیگر تنگ کند؛ عاطفه یا به پای تخیل، آهنگ و زبان یا به پای هم و همه‌ی عناصر همدست و همراه در یک مجموعه‌ی همخوان باید به انتقال پیام شاعر کمک کنند. این‌گونه سروده‌ها از انسجام و گاه ایجاز لازم برخوردار نبودند. شعر در مدار تکرار می‌چرخید و تنها پاسخی به تشنه‌ی کامی و عطش جامعه به این نوع سروده‌ها بود. برخی از این سروده‌ها، بی‌نام و بی‌تشان، در کنار پیام‌ها و اطلاعیه‌ها بر دیوارها نصب می‌شد و یا در تظاهرات خوانده می‌شد و بعدها که

شعر خویش را از تجربیات درونی و دریافت‌های بیرونی می‌یابد و به مدد توانمندی خویش در مضمون‌یابی و آفرینندگی و احیاناً تأمل انتقادی در آثار گذشتگان می‌پرورد و عرضه می‌کند. اگر شاعر در لحظه‌های متفاوت خویش، احساس‌های گونه‌گون و گاه متناقض دارد طبیعی است در تحولات ژرف و بنیادین هم در طرح و ساختار کلی شعر و حتی هم در واژگان و اوزانی که با جوشش‌های شعری او همزمانند تفاوت و تحول احساس شود. انقلاب اسلامی واقعه‌ای بزرگ، تحولی بنیادین و آرمانی در جامعه بوده و هست و حادثه‌ها و لحظه‌های آن، آشکار و پنهان، به دنیای شعر راه می‌یابند. وقوع حادثه‌های بزرگ، لحظه‌های خطیر و سترگ، لحظه‌هایی که با حیات و مرگ انقلاب و جامعه پیوند داشت نمی‌توانست و نباید بر سروده‌ها و احساس شاعران بی‌تأثیر باشد.

نخستین سروده‌های عصر انقلاب را اگر به سال شروع جدی انقلاب، یعنی سال 1357 برگردانیم، حال و هوای شعاری چشمگیرتر و پرتنگ‌تر است. در این سال، برخی شعارها که سازنده‌ی عمده‌ی آن‌ها شاعران مطرح نیستند از جوهره‌ی شعری برخوردارند. جامعه‌ی ایرانی قرن‌هاست که با شعر خوگر و زندگی‌آمیخته با نغمه‌های آسمانی حافظ، سوگورده‌های عاشورایی و ضرب‌المثل‌هایی است که ایجاز و اعجاز در آن‌ها موج می‌زند. شعر، آن‌چنان با فرهنگ ایرانیان آمیخته است که از لای‌لای گهواره تا سنگ مزار همراه‌شان است به تعبیر نزار قبّانی شاعر معاصر عربی: «اگر بیشتر بر رگمان بزنند چیزی سبزی می‌جوشد. تصور نکنید نفت است، شعر است!»^{۱۰} گرچه این سخن را در توصیف عرب و گرایش او به شعر گفته است اما بر روح هنرمند و ذائقه‌ی شعرگرای ایرانی نیز منطبق است. در دوره‌ی حرکت‌های مردمی و تظاهرات خیابانی و دیوار نوشته‌ها، این جوشش‌ها کاملاً محسوس است. شعارهای ارتجالی در کنار سروده‌های تند و شعاری و عموماً مقطعی، سروده‌های انقلابی که شبیه تصنیف‌های دوران مشروطه و گاه متفاوت با آن است نیز دیده می‌شود. شعرها و برخی از «سروده‌ها» از شاعران مشهور عصر مشروطه مانند فرّخی بزدی و برخی از شاعران گمنام و به ندرت مشهور است. اما از مهم‌ترین ویژگی‌های سروده‌های دوره‌ی انقلاب اسلامی (که ریشه‌های آن را باید در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جستجو کرد) به ویژگی‌های ذیل می‌توان اشاره کرد:

* ترسیم افق‌های روشن پیروزی^{۱۱}

فضای بامس‌آلود و سراسر بن‌بستی که شاعر پیش از انقلاب ترسیم می‌کرد فرو می‌شکند. شاعر با بهره‌وری از شکوه و شور حرکت‌های مردمی و باورهای عمیق مذهبی که پیروزی حق‌طلبان را حتمی و صبحی قریب را نوید می‌دهد یا سرانگشت شعر، فرداهای روشن را نشان می‌داد. شعر این دوره دیگر از شب و زمستان و وحشت و بن‌بست آکنده نیست. اگر هم از وحشت و انجماد و زمستان و پاییز سخن می‌رود، سرانگشت شعر

9.Persian (فارسی)



شعر انقلاب اسلامی؛ گاهواری شعر مقاومت بین‌المللی اسلامی

سید تقی عباس «کبکی»

مقدمه

انقلاب‌ها، ذائقه‌ی انسان‌ها و نگاه و تلقی آنان را نسبت به جهان، جامعه و خویش‌تن تغییر می‌دهند و همین دگرگونی، دگرگونی در زبان و احساس و حتی در قلمرو قالب و شکل را نیز در پی دارد. انقلاب بزرگ صنعتی در اروپا، انقلاب مارکسیستی در شوروی و انقلاب مشروطه در ایران، نمونه‌های روشنی هستند که گواه حضور تفکر تازه در عرصه‌ی اجتماعی و فروریختن باورهای قبلی و در نتیجه آفریدن هنر و ادبیاتی متناسب با فضای تازه و نیازهای تازه هستند. در عصر مشروطه، گسترده شدن افق نگاه شاعر و نویسنده به دلیل تجربه‌های تازه‌ی اجتماعی، ظهور موضوعاتی تازه و بی‌سابقه یا کم‌سابقه را در حوزة ادبیات باعث می‌شود و قلمرو سرودن و نوشتن را وسعت می‌بخشد، عرصه‌ای که پیش از آن حساسیت هیچ نویسنده و شاعری را برنمی‌انگیخت. پرداختن به مسأله‌ی آزادی، بروز احساسات ملی و وطن‌گرایانه، طرح ناپسامانی‌های اجتماعی و دردها و رنج‌های رنجبران و کارگران و بهره‌گیری از قالب‌های نوین مانند تصنیف‌ها، نمایشنامه‌ها، رمان‌ها و... پدیده‌هایی هستند که پیش از آن سابقه نداشته‌اند. گرچه فضای ادبی و هنری به شدت متأثر از فرهنگ فرنگ است و شیفتگی‌ها و غرب‌باوری‌ها بر شیوه‌ی زندگی و نگرش جامعه و در نتیجه بر سیاست، اقتصاد، وضعیت فکری و فرهنگی جامعه اثر گذارده است. به همین دلیل در نقد و تحلیل آثار ادبی و ذوقی، همچون همه‌ی مقوله‌های دیگر، باید زمینه‌ها، شرایط، تحولات اجتماعی و سیاسی و دگرگونی‌های فرهنگی و حتی معیشتی را فراچشم داشت تا نقد و تحلیل، همه سونگرانه و واقع‌بینانه باشد. بنابراین اگر موقعیت تاریخی تولد یک اثر ادبی و هنری را شناسیم، بررسی‌ها و قضاوت‌ها فاقد ارزش و اصالت خواهد بود. شعر انقلاب اسلامی، پاره‌ای از پیکر انقلاب اسلامی و فرزند و میوه‌ی آن است و باید متناسب با نشیب و فرازها و تحولات سریع و شتابناک جامعه، بررسی و مطالعه گردد. بنابراین شعر اوایل انقلاب (دوره‌ی مبارزه و تظاهرات و درگیری‌های خیابانی) باید با حال و هوای خاص خودسنجیده شود. آنان که با فضای امروز و احساس امروزی، شعر دیروز را محک می‌زنند در داوری خویش به کژراهه خواهند رفت. شاعر، درونمایه